

ویرایش جدید

فَلَسْفَه

بِهِ زُبَان سَادَه

جنی تیچمن و کاترین اوانز

ترحمه‌ی

اسماعیل سعادتی



دفتر پژوهش و نشر شهروردي

۱۳۹۶

فهرست مطالب

۱۷	پیش‌گفتار
	مقدمه
	فلسفه چیست؟
۱۹	شاهه‌های فلسفه
۱۹	ما بعدالطبيعه مطالعه‌ی وجود و شناخت
۲۱	فلسفه‌ی احلاق مطالعه‌ی اررش‌ها
۲۱	فلسفه‌ی سیاسی مطالعه‌ی شهروبرد و دولت
۲۳	فلسفه‌ی علم
۲۳	منطق فلسفه‌ی استنتاج و دلیل
۲۵	شاهه‌های دیگر فلسفه
۲۵	رویکردهای مختلف به فلسفه
۲۶	پیوشت‌ها
	بخش اول
	ما بعدالطبيعه فلسفه‌ی وجود و شناخت
۳۳	فصل ۱ چند معما درباره‌ی وجود
۳۳	عاصر تشکیل دهیده‌ی حهان احراء و کل‌ها
۲۵	عاصر تشکیل دهیده‌ی حهان مکان‌ها، رمان‌ها و
۳۹	عاصر ساریده‌ی حهان حمل و وجود

۸۹	آیا شرّ سلی است یا ایحایی ^۹	عاصر ساریندهٔ حهان عدم وجود پادشاه فرانسه	۴۰
۹۱	حیره‌های و قدرت	پی‌بوشت‌ها	۴۳
۹۳	لایبیتس و ولتر	فصل ۲ وجود حدا	۴۵
۹۳	حیر و شرّ و احتیار	براهین متنی بر الهام	۴۶
۹۵	حداناناوری و شرّ	برهان متنی بر معحرات	۴۷
۹۶	پی‌بوشت‌ها	برهان علت اولی	۴۹
۹۹	فصل ۶ مسألهٔ شناخت	برهان وجودی	۵۱
۹۹	شناخت، حقیقت و حطا	آیا وجود یک صفت است ^۹	۵۴
۱۰۰	شناخت، حقیقت و دلایل	برهان اتقان صبع	۵۶
۱۱	داش چیستی و داش چگوگی	پی‌بوشت‌ها	۵۸
۱۰۲	سه نوع شناخت با آگاهایه	فصل ۳ وجود و این‌همانی اشخاص	۶۱
۱۶	تسلسل دلایل	نظر حان لاک در بارهٔ این‌همانی	۶۲
۱۸	شناخت عملی است، به بطری	اسان‌ها و اشخاص	۶۴
۱۹	تسلسل بی‌ریان است استدلال انسان پایانی ندارد	حافظه و حافظه‌ی کادب	۶۶
۱۹	تسلسل بامتناهی بیست، بلکه دوری است	بطریه‌ی لاک در دوران جدید	۶۸
۱۱۰	تسلسل متناهی است به بامتناهی	اشخاص انسانی	۷۰
۱۱۱	پاسخ رامری	پی‌بوشت‌ها	۷۱
۱۱۳	پی‌بوشت‌ها	فصل ۴ مسألهٔ احتیار	۷۳
	بحش دوّم	علت در مقابل تصادف	۷۴
	احلاق فلسفه‌ی ارتش‌ها	آیا احتیار و حریاواری ما یکدیگر سارگارند؟	۷۵
۱۱۷	فصل ۷ احلاق و توهّم	حواست و تصمیم	۷۶
۱۱۷	شوپیهاور و بیچه	حریاواری سلی و ایحایی	۷۸
۱۱۸	عاطفه‌گرایی	حریاواری افراطی و انعطاف‌پذیر	۷۹
۱۲۰	سیست و «عرابت»	تبیین‌ها	۸۱
۱۲۵	پی‌بوشت‌ها	پی‌بوشت‌ها	۸۵
۱۲۷	فصل ۸ حود‌حواهی و دگر‌حواهی	فصل ۵ وجود شرّ	۸۷
۱۲۸	بطریه‌های حویشتن‌حواهی کلی‌گری	واقعیّت شرّ	۸۸

۱۸۰	آمارشیسم حناج چپ و حناج راست	۱۳۱
۱۸۱	آیا می توان دولت را ساقط کرد؟	۱۳۲
۱۸۴	دولت و دولت طبیعت	۱۳۶
۱۸۵	هابر و لاك	۱۴۱
۱۸۸	دولت و اقتدار آن	
۱۸۹	سمویه‌ای از حقوق عرفی	۱۴۳
۱۹	سمویه‌هایی از حقوق قراردادی	
۱۹۰	حقوق کاری	۱۴۵
۱۹۲	پی‌بوشت‌ها	۱۴۷
۱۹۵	فصل ۱۲ آرادی	۱۴۹
۱۹۵	آرادی ایحاسی و آرادی سلی	۱۵
۱۹۶	آرادی سیاسی	۱۵۱
۱۹۷	استقلال	۱۵۳
۱۹۸	آرادی سیاسی در قالب حکومت مشروطه	۱۵۶
۲۰	آرادی اقتصادی	
۲۰۱	آیا هیچ آرادی‌ای می‌تواند آرادی‌های دیگر را ^۹	۱۵۹
۲۳	آرادی فردی و حقوق طبیعی	۱۶۲
۲۴	آرادی فردی و حقوق مدنی	۱۶۳
۲۶	مقایسه‌ی آرادی‌ها	۱۶۵
۲۷	پی‌بوشت‌ها	۱۶۷
۲۰۹	فصل ۱۳ برابری	۱۶۹
۲۹	سردرگمی‌هادر مورد برابری	۱۷
۲۱۰	ابوع متفاوت برابری	۱۷
۲۱۲	علیه برابری امکان استبداد	۱۷۲
۲۱۲	علیه برابری بطریک در مورد آرادی و دارایی	۱۷۳
۲۱۶	دفاع ار یک آرمان برابری فرصت	۱۷۵
۲۱۷	دفاع ار یک آرمان قابوں و ارش‌ها	
	بطریه‌های هویشن‌حواهی ریاض‌پرداری	۱۷۶
	بطریه‌ی هویشن‌حواهی عقل‌سیاد	۱۷۷
	بطریه‌ی هویشن‌حواهی بیچه‌ای	۱۷۸
	پی‌بوشت‌ها	۱۷۹
	فصل ۹ فایده و اصول احلاقی	۱۷۹
	سمویه‌ی سحسست و عده‌های دم مرگ	۱۴۵
	سمویه‌ی دقم کار مادر تیررا	۱۴۷
	سمویه‌ی سوم حرجین	۱۴۹
	سمویه‌ی چهارم حقوق افراد بی‌گاه	۱۵
	ایرادی به بطريه‌های وظیفه‌شناختی	۱۵۱
	ایراده‌ایی به بطريه‌ی اصالت فایده	۱۵۳
	پی‌بوشت‌ها	۱۵۶
	فصل ۱۰ رسگی و مرگ	۱۵۹
	قتل چیست ^۹	۱۵۹
	قتل و حبگ	۱۶۲
	قتل و دفاع ار حود	۱۶۳
	چرا قتل مدادست ^۹	۱۶۵
	حودکشی چیست ^۹	۱۶۷
	آیا حودکشی همیشه حطاست ^۹	۱۶۹
	حودکشی در موقع اصطراری	۱۷
	رسگی من ار آپ حود من است	۱۷
	حودکشی و فایده‌محشی	۱۷۲
	نتیجه‌گیری	۱۷۳
	پی‌بوشت‌ها	۱۷۵
	بحش سوم	
	فلسفه‌ی سیاسی فلسفه‌ی دولت و شهر و د	
	فصل ۱۱ اقتدار و بی‌دولتی	۱۷۹

۲۵	متغیرها	پیوشت‌ها	۳۰۵
۲۵۱	در پراینتر گاشتن	فصل ۲۰ منطق قیاسی	۳۰۷
۲۵۱	مثال‌هایی درباره ترحمه	نمادها، اصطلاحات احتصاری و تحضصی	۳۹
۲۵۱	۱- نام‌ها و صفات	طبقه‌بندی قیاس‌ها به ۲۵۶ صورت	۳۱۲
۲۵۲	۲- وجود	حداساری صروب مبتداً صروب عقیم	۳۱۵
۲۵۲	۳- «چیری» و «کسی»	صروب ضعیف	۳۱۷
۲۵۲	۴- اینو هش سورها و متغیرها	پیوشت‌ها	۳۱۹
۲۵۲	۵- رفع ابهام	فصل ۲۱ منطق حدید	۳۲۳
۲۵۴	۶- بقص	پیوشت‌ها	۳۲۷
۲۵۴	۷- کثرت و عدد	فصل ۲۲ منطق قصایا	۳۲۹
۲۵۵	۸- فقط یکی	قصایا و ارشادها	۳۳۰
۲۵۶	منطق و ریان عادی	قصایای پایه، قصایای مرکز و عملگرها	۳۳۱
۲۵۷	پیوشت‌ها	پراینتر و ابهام دامنه	۳۳۲
	بحث ششم	نمادها و تعریف‌های عملگرها	۳۳۴
	فلسفه‌ی ریدگی	تعاریف لطفی	۳۳۴
۳۶۱	فصل ۲۴ معنای ریدگی	تعاریف حدول ارشادی	۳۳۵
۳۶۱	رمان، ابدیت و هدف	ردس‌ها و حملات در هم برهم	۳۳۷
۳۶۵	ریدگی و حوش‌حتی دینی	سیحش صحت استدلال‌ها	۳۳۸
۳۶۸	ریدگی و حوش‌حتی حوش‌بی	پیوشت‌ها	۳۴۲
۳۷۰	اررش ذاتی ریدگی	فصل ۲۳ منطق محمول‌ها	۳۴۵
۳۷۴	پیوشت‌ها	منطق محمول‌ها و ریان عادی	۳۴۵
۳۷۷	فصل ۲۵ تأثیر فلسفه بر ریدگی	عاصر منطق محمول‌ها	۳۴۶
۳۷۸	دیدگاه‌های وسیع و تنگ درباره فلسفه	عملگرها	۳۴۷
۳۷۸	فلسفه‌ی کاربردی	نام‌های حاصل، نام‌های عام و وصف‌ها	۳۴۷
۳۷۹	فلسفه در ریدگی اجتماعی	محمول‌ها	۳۴۷
۳۸۲	آثار فلسفه	محمول‌های پایه و مرکز	۳۴۸
۳۸۴	سمویه‌هایی از دوران باستان	دو سور	۳۴۹

پیوست ۳ در حی ار فیلسوفان مشهور معاصر	۴۲۳
ایر	۴۱۹
پیوشت‌ها	۴۲
آسکام	۴۲۳
دیویدسُن	۴۲۳
دامِت	۴۲۴
هوت	۴۲۴
گِتییر	۴۲۴
گودمن	۴۲۴
هر	۴۲۵
کریپکی	۴۲۵
کوهش	۴۲۵
لوئیس	۴۲۵
مکایتایر	۴۲۵
میدلی	۴۲۵
ماریک	۴۲۶
پلیس	۴۲۶
کوایین	۴۲۶
رالر	۴۲۶
سینگر	۴۲۷
اسمارت	۴۲۷
استراوسُن	۴۲۷
پیوشت‌ها	۴۲۷
کتاب‌نامه و راهنمای مطالعات بیشتر	۴۳۱
واژه‌نامه‌ی انگلیسی – فارسی	۴۳۹
نیایه‌ی اعلام و موضوعات	۴۵۳

مقدّمه

فلسفه چیست؟

فلسفه عبارت است از مطالعه‌ی مسائلی که سهایی، انتراعی و سیار فraigیرند این مسائل به ماهیّت وجود، معرفت، احلاق و دلیل و هدف انسان مربوط می‌شوند

تساخه‌های فلسفه

در فلسفه‌ی داشگاهی این موصوع را به عسوان یک کلّ به شاخه‌های محتلقی تقسیم می‌کند طبق سُتّ، شاخه‌های اصلی این موصوع عبارتند از مابعدالطیّعه،^(۱) فلسفه‌ی احلاق،^(۲) فلسفه‌ی سیاسی،^(۳) فلسفه‌ی علم^(۴) و مسطق^(۵) ما در این کتاب همه‌ی این‌ها را مورد بررسی قرار حواهیم داد سحن را نا چد توصیح مقدّماتی آمار می‌کیم

مابعدالطیّعه مطالعه‌ی وجود و شاخت

کلمه‌ی «مابعدالطیّعه» سامی است که یکی از گردآوریدگان آثار ارسطو^(۶) به نام آپدرویکوس^(۷) روی برحی از رسائل او گداشته است حود ارسطو این رسائل را «فلسفه‌ی اولی»^(۸) سامیده بود مسطور او از

فلسفه‌ی احلاق مطالعه‌ی ارزش‌ها

اصل و مشأکلمه‌ی «ethics» واژه‌ای است یونانی به معنای مش و رفتار، ولی از قرن هدهم به این سو، این کلمه در رسان انگلیسی، به معنای مطالعه یا داشت احلاقيات، و یا توسعًا داشت همه‌ی ابوع و طایف انساني ار حمله و طایف احلاقي، قانوني و سياسي به کار می‌رود امروره «احلاق» دو معنای متفاوت دارد بحسب می‌توان آن را مطالعه و بررسی نظریه‌های درباره سرچشم‌های عقلانی و توحیه اصول احلاقي و احلاقيات به طور کلی داست دوم اين که می‌تواند به معنای اصول حاصل رفتار مورد قول افراد عادي و يا متخصصان باشد و قتي مردم درباره احلاق‌كاري، احلاق پرشکي، احلاق سارگاني و حر آن سحن می‌گويد، معنای دوم اين کلمه مورد بطر است ما عمدتاً با احلاق به معنای بحث آن سروکار حواهيم داشت

احلاق که فلسفه‌ی احلاق بير نامиде می‌شود، در کسار موضوعات دیگر، شأن و مرتلت حاصل خودش را بير به عوان تحقیقی عیسی مورد بحث قرار می‌دهد مهم‌تر ايس که احلاق سا انگيره، و به ویژه دگرحاوي (۱۵) و خودمدارانگاري (۱۶) بير ارتباط دارد علم احلاق مسائلی را درباره اصول احلاقي، سعادت، عدالت، شجاعت و به طور کلی مسائلی را درباره حالات و حوصله‌هایی که ارشمند و پسندیده يا بی ارش و پاسند شمرده می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهد

فلسفه‌ی سياسي مطالعه‌ی شهر و دلت

فلسفه‌ی سياسي به مسائل مرتبط با حکومت، شهر و دلت (۱۷) و دولت (۱۸) می‌بردارد، ولی چنان با حريئات، يعسي چم و حم حکومت‌های حاصل یا شيوه‌های حکمرانی سروکار ندارد، بلکه می‌کوشد به سؤالات کلی تر، ار

كلمه‌ی «اولی» سعادت‌ترین، اساسی‌ترین، و یا مهم‌ترین سود موضوع «فلسفه‌ی اولی» عبارت است از دات و حود، دات علیت (یا تکوين) و ماهیت شاحت

عوان مابعدالطبيعه کم و بيش به طور تصادفي به «فلسفه‌ی اولی» داده شد آبدرويکوس به هنگام گرداوري و تدوين آثار ارسسطو، رسائل مربوط به «فلسفه‌ی اولی» را به همراه رساله‌ای به نام طبیعتات،^(۹) در يك كتاب گذاشت، به گویه‌ای که كتاب يادشده با طبیعتات آغار می‌شود بطر به اين که کلمه‌ی یونانی «متا» به معنای «مابعد» است، آبدرويکوس بخش دوم كتاب را مابعدالطبيعه ناميد، يعسي بحشی که بعد از طبیعتات قرار گرفته است

«فلسفه‌ی اولی» یا «مابعدالطبيعه» علمی است متشکل از هستی شاسي (۱۰)، که عبارت است از مطالعه دات و حود و دات تکوين یا پيدايش، به همراه معرفت‌شاسي (۱۱) که همان نظریه‌ی شاحت است ولی مسائلی درباره دهن، روح، حدا، رمان، مكان و احتیار را بير مورد پرسش قرار می‌دهد اين امر به دليل آن است که تحقيق در حصوص دات کلی وحود و معرفت ناگرير به مسائل دیگری محر می‌گردد که نآها ارتباط دارند في المثل، اين سؤال که «وحود چيست؟» اين سؤالات را پيش می‌آورد که «حوهر (۱۲) چيست؟ ماده چيست؟ و درباره‌ی عدم (۱۳) چه می‌توان گفت؟» اين سؤال که «علت (۱۴) چيست؟» بير اين سؤالات را پيش می‌آورد که «آيا حهان آغار رمانی دارد؟ آيا آن علتی دارد؟ رمان چيست؟ آيا حدایي هست؟» هم چيز اين پرسش که «شاحت چيست؟» به سؤالاتي ار اين دست می‌اخامد که «آيا شاحت امكان‌پذير است؟ آيا شاحت نوعی ساور است؟ آيا شاحت يك حالت دهسي است؟ آيا معرفت یا شاحت با آگاهانه وحود دارد؟